

# آشنایی با روش هم آموزی مؤثر



نویسندگان:

لیزا دایگر کارول بارنت

مترجم: حمیده طباطبایی

1- Co teaching

منظور این است که معلم عادی و استثنایی با یکدیگر در کلاس تدریس می‌کنند.

## روند هم‌آموزی

### مرحله ۳

طرحی از اقدامات که شامل این موارد باشد تهیه کنید:  
جدول زمانی برنامه‌ریزی، برنامه زمان‌بندی شده  
آموزش، اسامی دانش‌آموزان کلاس، روند رفع  
تضادها، توضیح نقش‌ها، گزارش والدین و ارزیابی.

### مرحله ۴

طرحی را اجرا کنید که (الف) هم‌آموزی در الویت قرار  
گیرد، (ب) نقشها را به وضوح شرح بدهد، (همکاران  
هم تراز)، (ج) مدت برنامه‌ریزی عادی در آن منظور  
گردد (د) فرایند حل مشکل را به شکل گروهی دربر  
داشته باشد.

### مرحله ۵

طرح را ارزیابی کنید. مجری طرح باید از روند  
ارزیابی حمایت کند (مثلاً زمان شروع روند، مبادله  
نتایج) لازم به ذکر است مربیان عادی و استثنایی باید  
برای ارزیابی، یک برنامه زمان‌بندی شده عادی تهیه  
کنند (مثلاً هفتگی، ماهانه).

### مرحله ۶

در تجربیات موفق دیگران سهیم شوید تا باب تازه‌ای  
به روی فرصت‌های این گونه آموزش گشوده شود.  
مجری می‌تواند در این مرحله با تشویق سایر معلمان  
به هم‌آموزی، حمایت خود را از این طرح اعلام نماید.

### نمونه‌هایی از هم‌آموزی

بنابر نتایج حاصل از فعالیت‌های فردی‌مان در

اخیراً بسیاری از معلمان به منظور آموزش  
دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های گوناگون (از جمله  
دانش‌آموزانی که در معرض خطر شکست تحصیلی  
هستند) و در مقاطع سنی مختلف از الگوی هم‌آموزی  
استفاده می‌کنند. هدف این الگو این است که به  
مربیان عادی و استثنایی امکان دهد از معلومات و  
مهارت‌هایشان به منظور تأمین نیازهای همی  
دانش‌آموزان یکجا استفاده کنند. تجربیات ما در این  
آموزش همکاری مربیان استثنایی و عادی را به طور  
مشترک در پنج مرحله‌ی زیر به معلمان و مسؤولان  
اجرائی توصیه می‌کند تا بتوانند بدین طریق این  
آموزش را در کلاس به اجرا درآورند.

### مرحله ۱

طرحی تهیه کنید که در آن چگونگی هم‌آموزی با  
نتیجه‌ای مؤثر در مدرسه‌تان توصیف شده باشد. طی  
این مرحله - قبل یا بعد از تهیه طرح - به دنبال  
حمایت مسؤولان اجرائی باشید.

### مرحله ۲

هم‌آموزی بالقوه را تعیین کنید و طرحی به فرد مورد  
نظر بدهید تا روابط حاکم بر آن را گسترش دهد. در  
این مرحله هر دو معلم باید نقش یکدیگر را در روند  
آموزش مورد بحث قرار دهند.



هم آموزشی، نمونه‌های زیر را از عملکرد مرتبان عادی و استثنایی به صورت گروهی در کلاس عادی یکپارچه‌سازی تهیه نمودیم. امیدواریم تجربیاتمان سایر افراد را در درک بهتر این روند یاری نماید.

این نمونه بر مبنای هم‌آموزی در درس ریاضی کلاس چهارم می‌باشد و این کلاس ۵ دانش‌آموز دارای ناتوانی‌های یادگیری (حیطه مهارت‌ها از کلاس دوم تا سوم است) و ۱۹ دانش‌آموز عادی داشت. معلم آموزش عادی و معلم آموزش استثنایی جلسات هفتگی برگزار می‌کردند، ضمناً یک جلسه مشترک ۱۵ دقیقه‌ای ترتیب دادند، طی این جلسات درباره این که چه کسی هر روز درس ریاضی را ارائه بدهد، تصمیماتی می‌گرفتند در حالی که یکی از ما درسی را ارائه می‌داد، دیگری پرسشهایی می‌کرد که به وسیله آن‌ها دانش‌آموزان را راهنمایی نماید و سپس نکات مشکل درس را توضیح می‌داد. روزهای بعد این نقشها برعکس می‌شد.

در خلال برنامه‌ریزی، هر دوی ما پی بردیم که بسیاری از دانش‌آموزان در فراگیری قوانین ریاضی نیاز به حمایت بیشتر داشتند. مرتبی استثنایی هر روز یک جلسه درسی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه درباره قوانین ریاضی ترتیب می‌داد، شیوه کار او بر راهبردها، مرور و تمرین متمرکز می‌شد. در طول این مدت مرتبی عادی با ارائه راهبردهای اضافه، ردیابی و کنترل

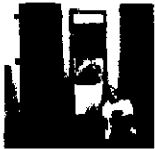
دانش‌آموزان منحصر به فرد و توضیح نکات مشکل در امر آموزش شرکت می‌کرد. این تقسیم کار به دانش‌آموز امکان می‌داد قوانین ریاضی مزبور را در زمانی کمتر و به نحوی لذت‌بخش‌تر یاد بگیرند.

بخش مهمی از زمان برنامه‌ریزی هفتگی‌مان به ارزیابی این روند اختصاص می‌یافت:

چگونگی ارائه درس، چگونگی ارزیابی یادگیری و چگونگی انطباق آموزش، این بخش در حکم بخش اصلی روند مذکور محسوب می‌شد زیرا طی زمان اجرای آن طرح‌هایمان را مبادله می‌نمودیم و مشکلات را حل می‌کردیم.

کاربرد هم‌آموزی ایجاب می‌کرد که چندین موضوع مهم را مورد توجه قرار دهیم. ما بایستی راجع به نظم و ترتیب انطباق (تغییرات) و تعیین سطح توانایی‌های دانش‌آموز تصمیماتی می‌گرفتیم. در وقت اضافی بعد از کلاس پس از جلساتی این اطمینان را ایجاد کردیم که معلم می‌تواند با دانش‌آموز اخلاک‌گر سر و کار داشته باشد. مشکلات رفتاری گروهی ابتدا توسط معلمی که تدریس می‌کرد، بررسی می‌شد سپس معلم دیگر جریان را پیگیری می‌نمود.

ما در جلسات مشترکی که ترتیب می‌دادیم نوع و میزان انطباق‌های (آموزشی) مورد نیاز دانش‌آموزان منحصر به فرد را مطرح می‌نمودیم. آنگاه هر یک از ما در گسترش و تطبیق طرح اولیه در خلال درس آزادی





عمل داشتیم. پس از آموزش، تغییرات و ارزیابی‌های انجام شده را مورد بحث قرار می‌دادیم. هر دوی ما (معلم استثنایی و عادی) عملکرد دانش‌آموز را ارزیابی می‌نمودیم و با کمک یک‌دیگر و با توجه به سطح مهارت‌هایش به او نمره می‌دادیم.

این رفتار متقابل به خصوص وقتی مفید بود که چگونگی عملکرد خوب دانش‌آموز مورد سؤال واقع می‌شد یا این که نمره‌اش در مرز بین قبولی و مردودی بود. نکته مهمی که از این مشارکت و همکاری دریافت نمودیم این بود که هر دوی ما در بسیاری از زمینه‌های اطلاعات تخصصی داشتیم و تلفیق و ترکیب این دانسته‌ها ما را قادر ساخت در تأمین نیازهای همه دانش‌آموزان مؤثرتر عمل نماییم.

### تجربیات دوره مقدماتی دبیرستان<sup>۱</sup>

این مثال در مورد کلاس علوم اجتماعی است که ۶ دانش‌آموز دارای ناتوانی‌های یادگیری و اختلالات رفتاری (سطح درک مطلب آنان از کلاس دوم تا هشتم دبیرستان قرار داشت) در کلاسی با ۲۲ دانش‌آموز عادی تلفیق شدند. ابتدا معلم علوم اجتماعی و مربی استثنایی درس را به طور مشترک توضیح می‌دادند. هر دوی ما در تهیه، اجرا و ارزیابی درس نقش‌های یکسانی داشتیم. هنگامی که دانش‌آموزان وارد کلاس می‌شدند، هر دوی ما آماده بودیم تا آنان را مساعدت نماییم. در بدو آموزش،



مربی عادی درس را آغاز کرد و صحبت درباره گنجینه‌ی لغات را شروع نمود و در این حال مربی استثنایی تعریف لغات را روی تخته می‌نوشت و روش‌های حفظ کردن کلمات را به دانش‌آموزان مورد بحث قرار می‌داد مثلاً راه‌های تقویت حافظه، رابط کلمات، نشانه‌های بصری<sup>۲</sup>.

مربی عادی قسمتی از درس را ارائه می‌داد در حالی که مربی استثنایی دانش‌آموزان را در این مورد یاری می‌نمود؛ یادداشت‌برداری، کشف و یافتن اطلاعات، توضیح مفاهیم مشکل و بیان مجدد نکات مهم در درس ارایه شده، به محض این که ارائه اطلاعات و درس کامل شد، دانش‌آموزان به صورت گروهی کار را آغاز کردند. در این مرحله هر دوی ما مسؤلیت تمام دانش‌آموزان کلاس را به عهده داشتیم و از گروهی به سراغ گروه دیگر می‌رفتیم، مفاهیم را توضیح می‌دادیم و در راهنمایی آنان سهیم می‌شدیم. به دنبال فعالیت گروهی، به دانش‌آموزان سؤالاتی دادیم که به طور مستقل پاسخ دهند. مربی استثنایی روش کار را بیان و راهکار را پیشنهاد می‌کرد. در حالی که مربی عادی سؤالات را توضیح می‌داد. در پایان این جلسه درس، مربی عادی خلاصه‌ای از آن تهیه می‌کرد ضمن این که مربی استثنایی

1- دوره مقدماتی دبیرستان که شامل کلاس‌های ۷ و ۸ Junior high school است و در نظام آموزشی ایران معادل اول و دوم راهنمایی می‌باشد.  
2- علامت‌های بصری نشانه‌های بصری = Visual cues



تکالیف را روی تخته می‌نوشت. هر دوی ما دانش‌آموزان خاصی را کنترل می‌کردیم تا مطمئن شویم قبل از خروج از مدرسه در مورد استقرار و سازماندهی مطالب در ذهنشان مطمئن شویم.

طی جلسات هفتگی، ما با همکاری یک‌دیگر پیشرفت دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کردیم. موضوع این جلسات غالباً حول محور مسائل رفتاری، تحصیلی و روش کار دور می‌زد. اگر وضعیتی بحرانی در کلاس رخ می‌داد، سعی می‌کردیم قبل یا بعد از کلاس چند دقیقه‌ای یک‌دیگر را ملاقات کنیم. به علاوه این موارد را در اولویت برنامه‌ریزی هفتگی قرار می‌دادیم. برای مثال دانش‌آموزی هر روز با رفتار نامناسب در محیط کلاس ایجاد اختلال و بی‌نظمی می‌کرد. هر دوی ما او را ملاقات کردیم تا چاره‌ای در جهت رفع مشکل بیابیم، انتظارات و محرک‌هایمان را به‌وضوح بیان کردیم و همین‌طور پیامدهای تداوم این رفتار را توضیح دادیم. این جلسه مشترک برای دانش‌آموز اهمیت داشت برای این که درک کند نسبت به هر دو معلم مسؤول است.

چندین مشکل رفتاری یا تحصیلی دیگر نیز ذهن ما را به خود مشغول کرد. یک مورد تحصیلی که توجه هر دوی ما را جلب کرد سیستم درجه‌بندی بود. هر دوی ما احساس کردیم که دانش‌آموزان براساس مقیاس مشابه باید درجه‌بندی شوند ولی به توافق رسیدیم که

تغییراتی در برنامه درسی می‌تواند اعمال گردد هنگامی که معلم احساس کرد این امر برای موفقیت دانش‌آموز ضرورت دارد مثلاً خواندن آزمون با صدای بلند، کاهش سؤالات آزمون، کاهش حجم تکالیف، ارائه رئوس مطالب در یادداشت‌ها، تدریس به هم‌شاگردی خود جهت حل این مشکلات، فوایدی به دنبال داشت، یک فایده این که توانستیم به راه حل‌های بهتری برسیم و دیگر این که هر دوی ما به منظور حل مشکلات بعدی، ایده‌های جدیدتری داشتیم.

### یادداشت پایانی

هم‌آموزی مستلزم اعتقاد به رشد و تکامل روند همکاری می‌باشد. تجربیات ما نشان داده است که موفقیت فراگیر این نوع آموزش به یک عامل اصلی بستگی دارد: ارتباط بین معلمان. اگر هر دو معلم به اجرای این روند متعهد شوند آنگاه هم‌آموزی، عامل بالقوه‌ایست که افزایش پیشرفت دانش‌آموزان و تداوم رشد مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای مربیان عادی و استثنایی را در پی خواهد داشت.

منبع: مجله Teaching Exceptional children

ناشر: CEC

Sep, Oct 1996

